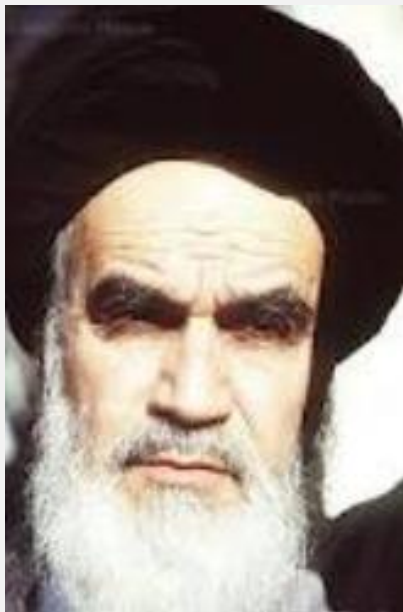




مقایسه فقه حکومتی امام خمینی و فقه حکومتی اهل سنت

امام خمینی قدس سره مهم ترین و شاید اولین دست مایه های فقه سیاسی و حکومتی را در دنیای جدید ارائه کرده، و با احیای برخی از موضوعات مهم فقهی همچون «ولایت فقیه»، قدرت و توان مکتب انسان ساز اسلام را در راستای نجات جامعه اسلامی ایران و حتی سایر مسلمانان، به کار گرفتند.

امام خمینی قدس سره مهم ترین و شاید اولین دست مایه های فقه سیاسی و حکومتی را در دنیای جدید ارائه کرده، و با احیای برخی از موضوعات مهم فقهی همچون «ولایت فقیه«، قدرت و توان مکتب انسان ساز اسلام را در راستای نجات جامعه اسلامی ایران و حتی سایر مسلمانان، به کار گرفتند.

به گزارش شبکه اجتهاد، حجت الاسلام والمسلمین محسن فقیهی، استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم در گفت و گویی ضمن بررسی تاریخچه فقه سیاسی و آراء فقهای شیعه و سنی، به تبیین جایگاه فقه حکومتی از منظر حضرت امام خمینی (ره) پرداخته است حاصل این گفتگو در ادامه می آید:

آراء علما و اندیشمندان اهل سنت در مورد فقه حکومتی چیست؟

غیر از فقهای شیعه قدامی اهل سنت، مثل امام الحرمین جوینی، ایجی، ماوردی، قاضی ابی یعلی، غزالی و... حاکمیت و الزام سیاسی را مشروط به مجتهد بودن حاکم دانسته اند.

در عصر حاضر نیز چهره های برجسته ای چون: شیخ محمد ابوزهره، استاد محمد مبارک و شیخ شلتوت، همان نظریه سلف خود را برگزیده و بر این حقیقت تأکید نموده اند که: حاکم و رئیس دولت اسلامی باید مجتهد باشد. نمونه هایی از نوآوری های فقه حکومتی حضرت امام (ره) را بیان فرمایید.

1- تعریف جدید از قاعده «لاضرر«: نگاه نقادانه و بررسی دقیق به علوم و آرای علمای بزرگ از سوی امام خمینی رحمة الله علیه موجب شد، هر اثر علمی که از ایشان به یادگار مانده است، حاوی نوآوری های زیادی باشد؛ برای مثال، علمای بزرگ اسلام، حدیث: «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام« را از قواعد فقهی دانسته و در این مورد آن را مورد بحث و بررسی قرار داده اند، ولی امام خمینی رحمة الله علیه در کتاب «بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر« این نظریه را رد نموده و این حدیث را حکم حکومتی پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم دانسته اند؛ بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، ص 105.

2- تقیه و فقدان نظریه سیاسی: موضوع تقیه از آغاز غیبت در نیمه قرن سوم هجری تا قرن دهم هجری از مباحث مطرح بود؛ به طوری که فقه امامیه در مجموع، در فضای خوف و تقیه، به سان بذرهایی نهان در درون زمین باقی مانده و فرارسیدن فضای مناسب را برای ظهور، انتظار می کشید و با این که بذرهایی ولایت فقیه در فقه امامیه، در همان زمان موجود بود، ولی فقیه شیعی، در سایه حاکمیت تقیه، ورود در این بحث و متحول ساختن و رشد این نظریه را غیر ضروری می دانست و احکام خراج، ذمه، جهاد و نماز جمعه را هم تنها از زاویه تقیه مورد بحث قرار می داد.

فشار و خفقان از سوی حکام ستمگر و ظالم نسبت به علمای شیعه در این مقطع از تاریخ اسلام به حدی بود که سید بن طاووس قدس سره، از علمای امامیه در قرن هفتم، وقتی دید حکومت مغول ها، نسبت به ایشان علاقه و اقبال نشان می دهد، این رویکرد را یک عنایت الهی و مصداق اخبار غیبی دانست که امام صادق علیه السلام در مورد علایم ظهور و حوادث آخر الزمان به برخی از اصحابشان بیان کرده بودند. وی از این فرصت در جهت ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام بهره های فراوانی برد، هر چند در مورد حکومت فقیه و عالم شیعی، قادر به اظهار نظر نبود.

همچنین علامه حلی رحمة الله علیه، هنگامی که با منطق استوار و دلایل روشن خود، زمینه گرایش سلطان محمد خدابنده، پادشاه مغول به مذهب تشیع را فراهم آورد و او رسماً شیعه شد، از این فرصت در جهت گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام بهره های فراوانی برد، ولی او نیز طرح نظریه ولایت و حکومت فقیه را صلاح نمی دانست.

اما امام خمینی رحمة الله علیه برخلاف نظر فقهای گذشته، در «رساله تقیه« بحث تقیه را با توجه به ذات تقیه و اضافات بر آن، تقسیم می کنند. ایشان در تقسیم دوم، تقیه را به تقیه خوفی و تقیه مداراتی، و در تقسیم سوم، تقیه را به تقیه کننده، تقیه شونده و مورد تقیه تقسیم کرده اند؛ الرسائل، 174/2 - 175 و 195 - 197. با نگاه به این تقسیم فرمودند: «اگر مورد تقیه، اسلام باشد و

اسلام به خطر بیفتد، آن تقیه حرام است». و در حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه، خطاب به علمای اسلام فرمودند: «حضرات آقایان توجه دارند که اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است؛ با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است و لو بلغ ما بلغ» صحیفه امام، 178/1.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: تقیه در فروع است، در اصول نیست. تقیه برای حفظ دین است؛ جایی که دین در خطر بود جای تقیه نیست، جای سکوت نیست؛ صحیفه امام، 8/11.

مبنای حضرت امام (ره) در فقه حکومتی چه تفاوتی با مبانی دیگر فقها دارد؟

بحث ولایت فقیه، مدت‌ها قبل در محفل درسی علمای اسلام و کتاب‌های آن‌ها وجود داشت، اما تفاوت عمده‌ای بین دیدگاه علمای گذشته و امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در همین بحث دیده می‌شود، زیرا علمای گذشته بحث ولایت فقیه را فقط در چند فصل از کتاب‌های فقهی، در مسایلی چون محجورین، منصب قضا، اجتهاد و تقلید، ارث و اموال بدون وارث و...، محصور کرده بودند، و در مجموع، علمای گذشته، بحث ولایت فقیه را در علم فقه و به طور پراکنده و در حد تکلیف مکلفین، محصور کرده بودند، اما امام خمینی رحمه‌الله‌علیه مسئله ولایت فقیه را از دایره فقه بیرون کشیده و وارد علم کلام نمودند.